

برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل»

دوستان سوریه امریکا و دشمنان افغانستان

مردمان یکسان هستند

متن مصاحبه الکسی پوشکوف مسوول کمیته روابط بین المللی

پارلمان روسیه با نشریه (آر- تی «روسیه امروز»)

دوازدهم جولای «۲۰۱۲»، این بیش از یک معمای نیست که ایالات متحده امریکا چه گونه می تواند با افراتیون اسلامی در سوریه که - به عنوان هم پیمانان اش می باشد - برخورد نماید. در حالیکه به مقابل ایشان به عنوان دشمنان در افغانستان می جنگند! این موضوع را رئیس کمیته ای روابط بین المللی پارلمان روسیه با خبرنگار نشریه «Russia Today» یا روسیه امروز» در میان گذاشت.

شواهد نشان می دهد که واشنگتن به ارتباط بحران سوریه برخورد دوگانه بی معیاری می نماید، یعنی که مخالفین مسلح سوریه را حمایت می کند. آنهایی را که می خواهند در کشور، دیکتاتوری را مستقر سازند و تقابل شان را در برابر حکومت اسد به منظور به اصطلاح تامین دموکراسی به حیث یک هدف غایی ابراز می دارند؛ مطلبیست که «الکسی پوشکوف» به «آرتی» افاده کرد.

سوال: آیا شما رویدادهای اخیر را در سوریه توام در علاقمندی مردم سوریه می بیند؟

پاسخ: در سوریه جنگ داخلی دوام دارد؛ تنها و تنها ازین جنگ داخلی سیاستمداران مخالف سود می برند؛ مخالفین مسلح شده اند و به منظور نیل به هدف شان خشونت می ورزند؛ من با

باور کامل می توانم به عرض برسانم که مردم عامه سوریه مخالف همچو منازعات مسلحانه و زدوخوردها هستند و هرگز همچو برخوردهای مسلحانه را نمیخواهند.

من از هرنگاه می دانم که این گروههای مخالف مسلح کمیونیتی و یا جمعتهای پیروان مسیح یا عیسویان را در سوریه تعقیب و جستجو می نمایند و به آنها مخالفت می ورزند، که با در نظر داشت همین دلیل اکنون آنها (یعنی عیسویها) جوقه جوقه به هزاران نفر خانه های شان را چه در شهرها و چه در دهات ترک گفته و به جاهای امن پناه می برند. اقلیتهای شیعه که «۱۳٪» جمعیت کل نفوس سوریه را تشکیل می دهند آنها نیز هدف تهاجم گروههای مسلح سونی مذهب قرار می گیرند که شامل اکثریت مخالفین نیروهای مسلح و مخالف دولت سوریه می باشند.

چنانچه از شهر هولاً «Houla» اکثریت اقلیتها از خانه های شان رانده شدند و یا به قتل رسیدند؛ همچنان در سوریه شهری به نام «هما» وجود دارد که همه باشندگان آن یا فرار کرده اند و یا توسط مخالفین مسلح به قتل رسیدند .

و درین شرایط به اصطلاح دوستان سوریه «هیملری کلینتون» به ما می گوید که: مخالفین مسلح به خاطر تامین دموکراسی می جنگند. درحالیکه آنها به خاطر مستقر ساختن دیکتاتوری می جنگند؛ دیکتاتوری که آنها را به عوض اسد در اریکه قدرت بنشانند؛ و همین اکنون کاملاً روشن شده که آنها به هیچ وجه در پی تامین دموکراسی نبوده و به خاطر فراهم آوری آن مبارزه نمی نمایند؛ چنانچه ما این مطلب را در فعالیتها و تلاشهای روزانه یی آنها ملاحظه می نمایم؛ و همچنان آنها به هیچ نوع مذاکره تن در نمیدهند و به پلانهای طرح شده «کوفی عنان» توافق نشان نمیدهند! و آنها همچنان به شکل حکومت انتقالی توافق نشان نمیدهند و به خاطر تامین صلح ایشان هیچ الترناتیف را نمی خواهند آنچه که آنها میخواهند فقط و فقط کسب قدرت در سوریه میباشد.

من نفهمیدم که ایالات متحده امریکا چرا نیروهای مسلح مخالف را حمایت می نماید؟ چونکه آنها همانند آن مردمانی هستند که سربازان امریکا را در افغانستان و عراق به گلوله میبندند و نظامیان ناتو را در افغانستان به قتل می رسا نند؛ در افغانستان مردم این چنین می اندیشند که

اینها دشمنان مردم امریکا اند که سربازان امریکایی را به قتل می‌رسانند. در حالیکه امریکاییها (دولتمردان امریکا) آنها را در سوریه به عنوان متحدین خود می‌شناسند.

من فکر نمیکنم که این شرارت هیچ چشم اندازی بدون حمایت‌های جدی خارجی داشته باشد بلکه آنها همه جا نبه از کمک های مالی و سیاسی بیرونی برخوردارند، آنها از بیرون سلاح به دست می‌آورند، در غیر آن هیچ ممکن نبود که آنها با دستا ن خالی به چنین آشوب و شرارت دست زنند؛ و این دست‌های بیرونی در کشور است که به جنگ داخلی دامن می‌زنند و در کشور نفاق و چند گانه گی را به وجود آوردند.

سوال: پس این نیروهای خارجی در واقع در تلاش برای رسیدن چه چیزی هستند؟ چرا آنها باید بخواهند که جنگ را تحمیل نمایند؟

پاسخ: به نظر من به طور خاص ایالات متحده امریکا می‌خواهد تا رژیم اسد سرنگون گردد چونکه از مدتها قبل تصور امریکا براین بود که این دولت و رژیم مخالف ایالات متحده امریکا می‌باشد؛ و از جانبی به نسبت مناسبات خوبی که بین اسد و روسیه موجود است، می‌تواند عامل مهم دیگری باشد که خصومت امریکا را در برابر سوریه بیشتر سازد. زیرا واشنگتن اگر گمان کم و بیش ببرد که این و یا آن دولت با روسیه دوستی و مناسبات خوبی دارد آن رژیمها را به بهانه های گوناگون مورد تهدید قرار می‌دهد؛ و به عوض آنها رژیمهای مطیع و طرفدار خود را مستقر می‌سازد.

اما در ارتباط به شاهان و فرمانروایان اسلامی یا وهابی در خلیج مثل عربستان سعودی، قطر و بحرین، می‌توان گفت که آنها خواهان آن اند که بعد از سرنگونی اسد در سوریه رژیم مودل خودشان براریکه قدرت تکیه زند، زنها را به پوشیدن حجاب و نقاب مجبور سازند آنها را در چهار دیواری خانه محبوس و از دادن رای در انتخابات محروم سازند و در صورت مخالفت شان حکومت بر سر اقتدار رسیده مثل رژیم بحرین سیاستی را در پیش گیرد آن چنانیکه در مقابل مردم خود آتش کشود و جمیع غفیری از مردم خود را به قتل رسانید؛ این نوع اختلاف تنها برای سوریه بی‌مانند و بی‌نظیر نیست و آن این که چون رویدادها و یا حوادثی که در بحرین رخ

داد، ایالات متحده امریکا به بیسار سهولت چونکه بحرین از دوستان و متحدین اش میباشد چشم کورش را به آن طرف دور داد .

یا به عباره دیگر این کشورهای خلیج می خواهند و یا طرفدار آن هستند تا اهل تسنن رژیمهای مذهبی شان را در خلیج مستقر سازند و بدین وسیله توانسته باشند رژیمهای اهل تشیع را که همین اکنون در سوریه و ایران بر سراقدار و با هم دوست اند، تضعیف نمایند؛ عربستان سعودی، قطر و بحرین با خصومتی که با ایران دارند در پی تهدید آن رژیم اند و می خواهند که با به راه نداشتن اسد از حاکمیت رژیم شیعه مذهب ایران را بیشتر تضعیف نمایند.

تمام این اوضاع و حالات را می توان با آوردن حداقل دموکراسی و آزادی تا حدی بهتر ساخت. اما نباید فراموش کرد که نه در عربستان سعودی، نه در قطر یا بحرین و یا نه هم در امارات متحد عربی در هیچ یک از آنها نی دموکراسی وجود دارد و نه هم حداقل آزادی، حتی تا آنجا که فاقد قانون اساسی هستند. خیلی تعجب آور به نظر می آید اگر چنین فرض شود که این کشورهای غیر دموکراتیک بتوانند بعد از سقوط اسد در سوریه دموکراسی را پیاده کنند رویا روی و یا تقابل سنی- شیعه یک بُعد بسیار مهم دیگری است که به این اختلافات و تقابل فزونی می دهد گرچه بعضی ها از نقش این بُعد تجاهل می نمایند.

سوال: هیلری کلنتون وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا درین تازه گیها طی یک صحبت رسانوی خویش گفت: من از آن نقل قول می کنم «روسیه و چین قیمت آن را خواهند پرداخت از آنکه سد راه پیشرفت شدند و راه انکشاف را مسدود ساختند که غیر قابل تحمل پنداشته میشود» پس واکنش شما درین مورد از چه قرار است؟

پاسخ: آنچه که من می بینم این ایالات متحده امریکا باید باشد که قیمت آن همه چیزها را با مداخلات صریح اش که در عراق نمود بپردازد؛ زیرا این دولت ایالات متحده امریکاست که در صحن بین المللی با اتخاذ چنین سیاست خارجی خود مبنی بر مداخله در عراق سیاست خارجی اش را خدشه دار ساخت و از اعتبارات بین المللی خود کاست و یا به عباره دیگر با مداخله اش در عراق به بحران سریع سیاست خارجی خود دست زد، و در عین زمان و حتی در لحظه کنونی

متحدین و دوستان سر سخت اش را اعم از ترکیه یا مصر همراه با کشورهای اروپای غربی همچو جرمنی، بریتانیا و فرانسه را در احساسات شدید ضد امریکایی فراخواند. پس این ایالات متحده امریکا باید باشد که با اشغال عراق قیمت اشتباه خود را بپردازد.

اکنون روسیه علیه اشغال سوریه هشدار می دهد و میگوید که این حق خود مردم سوریه است که باید به ارتباط سرنوشت آینده خویش خودشان تصمیم گیرند ولی این هیلری کلنتون است که نظرش را چنین ابراز می دارد آنچه که من در مورد او شنیده ام اینست که او درین اواخر از موقف فعلی اش به صفت وزیر امور خارجه امریکا کنار می رود پس او باید با همچو خیال پردازیهها وداع نماید.

سوال: ایالات متحده امریکا به وضوح نشان داد که او از موقف سیاسی خود در قبال سوریه به عقب نمیروند، پس درین مورد روسیه در پی چه آماده گیها و اقداماتی می باشد؟

پاسخ: درماه جون به ارتباط سوریه در جینیوا کنفرانسی منعقد شد و تصامیم این کنفرانس مورد حمایت ایالات متحده امریکا، روسیه و چین قرارگرفت یعنی که هر سه کشور به این توافق رسیدند که در سوریه به خاطر قطع خشونت باید یک حکومت انتقالی تشکیل شود تا باب گفتگو را با مخالفین مسلح بگشاید و اشتراک کننده گان این کنفرانس باهم توافق کردند که نماینده گان احزاب هر دو طرف درگیر باید در هنگام آغاز مذاکرات حضور داشته باشند و این طرح از طرف روسیه ایالات متحده امریکا، چین و فرانسه مورد حمایت قرارگرفت. چون نماینده یی هرکشور درکنفرانس حضور داشت و از فیصله ها چنین بر میآمد که راه حل پرابلم کاملاً درک شده است.

اما با گذاشتن امضاء روی طرح پلان تصویب شده؛ جنگ با همه تفسیراش آغاز گردید و در این وقت هیلری کیلنتون گفت: «حال موقع آن رسیده که اسد باید برود!» روسیه درمورد افزود و آن این که در سند به امضا رسیده اصلاً به ارتباط این که اسد باشد و یا نباشد حتی از نام او ذکر به عمل نیامده است؛ و روسیه مکرراً تاکید می ورزید که: با انطباق مندرجات این سند خشونت از بین می رود و راه مذاکره بین طرفهای درگیراغاز می گردد، علی الرغم این تاکیدات واقیعت چنان شد که کشورهای اشتراک کننده معترف شدند که آنها به یک درک مشترک از موضوع نایل آمده اند.

این واقعاً مضحک و عجیب و غریب به نظر می آید که آنها بعد از گذشت پنج دقیقه چه سان به درک موضوع نایل آمدند و چنان شد که احزاب با هم منقسم شدند و در اینجا می توان گفت که آنها البته در برخی از موارد و زمینه ها زبان مشترک یافتند ولی البته شکنند و متزلزل پس مجدداً آنها به تشکل حکومت انتقالی علاقه نشان دادند؛ من در اینجا چنین فکر می کنم که برای نیروهای طرفدار شورشیان آسان و سهل است که هر دو الترناتیف را مراعات نمایند، یعنی هم در پلان جینیوا امضا نمایند و هم به شورشیان اذعان نمایند که نقشه شان را تطبیق نمایند یعنی که علیه حکومت اسد بجنگند .

سوال: پیشنهاد روسیه درین زمینه ازچی قراراست ؟

پاسخ: روسیه بر تحقق مندرجات سند به تصویب رسیده اصرار می ورزد که در جینیوا به تصویب رسید- لذا طرفین درگیرباید.

سوال: لاکن شورشیان این سند ومندرجات آنر نمی پذیرند.

پاسخ: اگر شورشیان نمیخواهند که در روند صلح و مذاکره سهم گیرند؛ پس ما باید درین مورد چه کنیم؟ آنچه که ما باید انجام دهیم این خواهد بود که ما قطعاً نیروهای نظامی خود را به آنجا نمی فرستیم؛ آن چیزی را که ما باید دنبال نمایم این خواهد بود که ایالات متحده امریکا را متقاعد سازیم تا او از نفوذ و قدرت اش که بالای مخالفین مسلح دارد استفاده نماید و آنها را وادارد که به مذاکره و مندرجات سند به تصویب رسیده تن در دهند؛ چون امریکا در پای این سند به تصویب رسیده در جینیوا امضا نموده و تمام مندرجات آن سند را بیدون کم و کاست پذیرفته است؛ با درنظر داشت همین دلیل ایالات متحده امریکا اکنون باید بالای نیروهای مخالف مسلح در سوریه با نفوذی که دارد بیدون تاخیر فشار وارد نماید، تا آنها را مجبور به توافق در ایجاد یک دولت انتقالی بسازد؛ و در غیرآن پالیسی ایالات متحده امریکا به جز از یک سیاست ریاکارانه چیزی دیگری نخواهد بود و از آنجایکه در بیانیات رسمی خود از مذاکرات و ایجاد دولت انتقالی صحبت به عمل می آورد، یک عمل کاملاً خرابکارانه و بیش از سبوتاژ نمیتواند دیگر چیزی باشد.

از جانب دیگر ما نیز باید تلاش نمایم تا کابینه اسد را به غرض ایجاد یک دولت انتقالی و گشایش باب مذاکرات متقاعد سازیم که در تقابل آن قرار نگیرد و آن را نفی نه نماید؛ اما آنچه که هویدا است اینست که حکومت اسد همه جانبه از همچو پیشنهاد استقبال به عمل می آورد؛ اما تنها این جانب مقابل است که این پیشنهاد را رد می نماید و از پذیرش ایجاد دولت انتقالی و گشایش باب مذاکرات امتناع می ورزد، درین ضمن ایالات متحده آمریکا به صورت جانبی اصرار می نماید که شورشیان یعنی نیروهای مسلح مخالف زمانی این پیشنهاد را می پذیرند که حکومت اسد استعفی بدهد؛ اما در حالیکه این موضوع و یا پیش شرط قبلاً در کنفرانس منعقد در جینیوا هرگز ذکر نشده بود و ما درین زمینه نه از آن یادآوری به عمل آورده بودیم و نه هم روی آن مذاکره نموده بودیم و نه هم به توافق رسیده بودیم مبنی بر اینکه در اثر نفوذ و بازیهای سیاسی بیرونی رژیم اسد تبدیل شود و یا به استعفی وا داشته شود؛ ما می گویم که مردم سوریه خود باید بر سرنوشت آینده خود تصمیم اتخاذ نمایند یعنی پیرامون سرنوشت آینده خود بیدون دخالت دیگران خود تصمیم گیرند؛ اینست موقف روسیه درمورد سوریه. روسیه درین مورد کدام کار معجزه آسای را نمیتواند انجام دهد. بنا بر آن روسیه همه جانبه در همین موقف خود مبنی بر حل موضوع مورد اختلاف در سوریه باقی خواهد ماند .

سوال: اکثر کارشناسان سیاسی به این باوراند که جنگ در سوریه برای ایالات متحده آمریکا ممکن را راه غرض حمله بالای ایران هموار سازد. آیا شما فکر می کنید که این سناریو امکان داشته باشد؟

پاسخ: من طوری می اندیشم که به ارتباط این موضع بسا شک و سوء ظن موجود است ولی آنچه که من شخصاً فکر می کنم من امکان هیچ نوع حمله نظامی را بالای ایران در ارتباط با موضوع آینده سوریه نه می بینم. درین میان ویرانی اقتصادی و خصومت‌های داخلی فعلی سوریه به وضوح سوریه را از هرگونه توانمندی مبنی بر یورش بالای متحدین ایالات متحده آمریکا در شرق میانه باز می دارد. بنابر همین دلیل این آمریکا است که می تواند تصمیم گیرد که آیا جنگ را با ایران به راه بی اندازد و یا نه؟ سوریه درین مورد ممکن سهم بسیار ناچیزی داشته باشد .

سوال: آیا امکان ایجاد یک پایگاه نظامی در نظر نیست؟

پاسخ: در شرقمیانہ شمار زیادی از متحدین ایالات متحده امریکا برسر اقتدار اند از جمله می توان اُردن را نام برد که در آنجا پایگاه نظامی امریکا موجود است؛ مگر هیچکس نمیگوید و یا هیچ سرزبانها نیست که گویا ایالات متحده امریکا می خواهد ازین پایگاه اش بالای ایران حمله نماید؛ من این بد گمانی و سوء ظن را بیشتر جدی نمیگیرم؛ به نظر من موضوعات ایران و سوریه دو قطب مجزا از همدیگر اند - دمشق چنین می اندیشد که ایران متحد اوست و شما ضرورت آنرا می بینید که رژیم باید در سوریه به خاطر تضعیف رژیم ایران تبدیل شود. ولی به نظر من این همه موارد بسیار بعید به نظر می رسد همین اکنون سوریه نمیتواند به حیث یک متحد کاملاً عیار به ایران عرض اندام کند؛ سوریه تمام سعی و تلاشهایش را به ارتباط مسایل داخلی اش به کار انداخته و یا نظرش را بر مسایل داخلی اش متمرکز ساخته است و او نمیتواند و یا توان آنرا ندارد که نیروهای نظامی خود را از کشور به بیرون سوق دهد و نه هم توان آنرا دارد که در شرق میانہ بالای متحدین ایالات متحده امریکا یورش برد؛ این استدلال که امریکا قبل از حمله بر ایران نیاز به سرکوب سوریه دارد احتمال آن کمتر دیده میشود .

شما طوریکه می دانید موضوع ایران مسایل توسعه نظامی و یا یورش ایران به بیرون نبوده بلکه همه نگرانیها به ارتباط سلاح هستوی ایران است. تا آنجا که ایران میخواهد سلاح زروی باید داشته باشد و این یک موضوع کاملاً داغ قبل از بحران سوریه بوده که کم از کم از مدت (۱۲) سال به اینطرف موضوع اجندای طرفین درگیر را تشکیل میدهد و ایالات متحده درین رابطه تشویش و نگرانی اش را در تقابل با ایران نشان داده است، من فکر می کنم که این دلایل فوق کافی خواهد بود که موضوع سوریه را از ایران مجزا بپنداریم و من هرگز این دو موضوع را بایکدیگر قرین و نزدیک نمی بینم .